

# زندگی بی عشق مرگ آدم است

گپ و گفتی با جهانگیر نجفیان، مدیر سابق دبیرستان دوره اول استعدادهای درخشان بهبهان

نصرالله دادار

عشق یعنی پای انسان لنگ نیست  
عشق یعنی عرصه دل تنگ نیست  
عشق یعنی صبر کردن در بلا  
تا بگیرد دل به سختی‌ها جلا  
عشق یعنی همچو گل پرپر شوی  
فارغ از دنیا و دین یکسر شوی  
عشق باران در کویر زندگی است  
بهر انسان مایه تابندگی است  
عشق برگ اعتبار عالم است  
زندگی بی عشق مرگ آدم است



ابیات بالا بخشی از «مثنوی عشق» سروده، مدیریت سابق دبیرستان دوره اول استعدادهای درخشان شهید بهشتی شهرستان بهبهان است. جهانگیر نجفیان قریب ۳۰ سال است که در آموزش و پرورش، کار معلمی و مدیریت را با هنر درآمیخته و به مدد شعر و خوشنویسی - که هنر اوست - توانسته است وظایفش را به نحو مؤثر و ثمربخشی انجام دهد. او معتقد است که یک مدیر واقعی همواره امیدوار است و هیچ‌گاه مشکلات را حل‌نشدنی تصور نمی‌کند، بلکه ایمان دارد که انسان با توانمندی و قدرتی که خدا به او عطا کرده، قادر است همه مشکلات عرصه‌های کار و زندگی را حل کند و کارهایش را به پیش ببرد. در ادامه، گفت‌وگوی ما را با ایشان، که اکنون بازنشسته شده‌اند، می‌خوانید.

## چطور شد که شما را به عنوان مدیر مدرسه استعداد‌های درخشان انتخاب کردند؟

من زمانی که به عنوان مدیر مدرسه استعداد‌های درخشان برگزیده شدم، ۲۳ سال سابقه داشتم که ۱۷ سال آن در پست معاون تربیتی مدارس بود. بر این اساس، تا حدود زیادی با مسائل مدارس آشنا بودم. شاید به همین دلیل بوده است که مسئولیت این مدرسه را به من واگذار کردند.

## تعریف شما از مدیریت چیست؟

مدیریت نوعی هنر، خلاقیت و آفرینش فکری است که در جهت پیشبرد برنامه‌ها و اهداف یک سازمان به کار گرفته می‌شود. مدیریت هنری است که به یاری آن سخت‌ترین مسائل یک سازمان با روش‌های درست و مناسب حل می‌شود. مدیریت این نیست که در انتظار بنشینیم تا بخشنامه‌ها و مقررات ابلاغ شود و ما آن‌ها را اجرا کنیم.

مدیریت، هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی، رهبری و نظارت دقیق بر انجام آن‌هاست. ایجاد فضای روحی-روانی مناسب برای فعالیت معلمان، کارکنان و دانش‌آموزان یکی از وظایف مهم مدیران مدارس است. فضایی که معلمان، کارکنان و دانش‌آموزان در آن احساس نشاط و شادابی کنند و انگیزه‌های کاری آن‌ها دوجندان شود. مدیریت، نبوغ فکری، نوآوری و مشارکت دادن همه نیروها و استفاده حداکثری از آن‌ها در جهت تحقق اهداف و برنامه‌های مدرسه است.

## به نظر شما، بین مدیریت و هنر چه نقاط مشترکی وجود دارد؟ شما بین این دو چه پیوندی برقرار می‌کنید؟

مدیریت، خود نوعی هنر و هنرمندی است. مدیریت و هنر هر دو خلاقانه و نوآورانه‌اند.

به اعتقاد من، مدیریت نیازمند هنرمندی است و بدون هنر نمی‌توان مدیریت کرد. همان‌طور که هنر یک روح زنده است و نفس می‌کشد، مدیریت هم امری زنده و پویاست. هنر از ملزومات مدیریت است، وجه مشترک مدیریت و هنر این است که هر دو پویا و خلاق‌اند. ایستا نیستند و دائم در حرکت‌اند؛ دائم در حال تغییر و شدن هستند.

## شما از ذوق هنری خود در مدیریت چه استفاده‌ای کرده‌اید؟

من نه تنها در این سال‌ها که مدیر مدرسه استعداد‌های درخشان بوده‌ام بلکه در همه دوران کاری‌ام در آموزش و پرورش، چه در معلمی، چه در امور پرورشی و چه در مدیریت، از هنر بهره برده‌ام. با هنر خوشنویسی و شعر، همواره فضای مناسبی برای یادگیری دانش‌آموزان و تقویت انگیزه‌های همکارانم ایجاد کرده‌ام. همواره همه کارهایم را با هنر درآمیخته‌ام و نتایج بسیار خوبی هم از این کار گرفته‌ام.

هنر به هر کاری روح و نشاط و شادابی می‌بخشد. من برای اینکه فضای روحی معلمان را عوض و آن‌ها را شاد و

پرانرژی کنم، در روزهای تولدشان، برای آن‌ها جشن می‌گرفتم و شعر می‌گفتم و اشعارم را با خط خوش می‌نوشتیم و به آن‌ها هدیه می‌دادم. برای کارکنان مدرسه و حتی مستخدم مدرسه هم این کار را می‌کردم. علاوه بر این، برنامه‌های زیارتی و تفریحی برای آن‌ها تدارک می‌دیدم. این کارها باعث شده بود که یک فضای عاطفی و صمیمی بر مدرسه حاکم شود؛ طوری که اگر مشکلی برای یکی از معلمان پیش می‌آمد، دیگران فوراً با همراهی و همکاری جای او را پر می‌کردند تا مشککش برطرف شود. این فضای عاطفی و صمیمی موجب شده بود که حتی اگر از معلمان بخواهیم که شب یا روز تعطیل هم سرکار بیایند، قبول می‌کردند و می‌آمدند.

من نه تنها در کار مدیریت، بلکه در تدریس و آموزش هم از هنر استفاده می‌کردم و محتوای دروس را با هنر و شعر درمی‌آمیختم و به بچه‌ها درس می‌دادم. همین کار موجب جذابیت آموزش در کلاس درس می‌شد. شاید یکی از دلایل این امر این است که هنر به فطرت انسان نزدیک است و می‌تواند تأثیر بیشتری داشته باشد.

## چگونه شاعر شدید و شعر گفتید؟

من از دوره دبیرستان ذوق شعری داشتم و دوست داشتم شعر بگویم. کتاب‌های شعر زیاد می‌خواندم و شعر هم می‌گفتم اما این ذوق و توان در دوران تربیت معلم در سمنان هر چه بیشتر و بهتر شکل گرفت و من از آنجا در کنگره شعر استان اصفهان شرکت کردم و به عنوان شاعر نمونه سمنان انتخاب شدم.

## چه کسانی در این زمینه مشوق شما بودند؟

آقای دکتر سرحدی هم در زمینه شعر و هم در زمینه خوشنویسی مشوق من بوده است.

## در خوشنویسی چه مرحله‌ای را طی کرده‌اید؟

من همه مراحل خوشنویسی از متوسط تا خوش، عالی و ممتاز را در انجمن خوشنویسان ایران گذرانده و مدارک آن‌ها را کسب کرده‌ام.

## اشعار شما به صورت کتاب هم چاپ شده است؟

اشعارم را در سال ۱۳۹۰ جمع‌آوری کردم و با همکاری و راهنمایی آقای دکتر سرحدی در کتابی با عنوان «وقتی شعله‌ور می‌شوم» به چاپ رساندم. جلد دوم کتاب اشعار من نیز به زودی چاپ خواهد شد.

کتاب «وقتی شعله‌ور می‌شوم» شامل غزل، رباعی، دوبیتی و مثنوی است.

## مدیریت در مدارس استعداد‌های درخشان سخت‌تر است یا مدارس عادی؟

کار کردن در مدارس خاص مشکل‌تر از مدارس عادی و معمولی است و ظرافت و دقت نظر خاص خود را می‌طلبد، چون اولاً توقع و انتظارات از این مدارس بالاتر و بیشتر است. ثانیاً قدرت



گیرایی و تأثیر پذیری دانش آموزان در این مدارس بالاتر است و کمترین بی توجهی در کارهای علمی و تربیتی، خسارت جبران ناپذیری خواهد داشت.

### دستاوردهای شما در مدرسه راهنمایی

- استعدادهای درخشان شهید بهشتی بهبهان چیست؟  
چند مورد از این دستاوردها عبارتند از:
۱. کسب رتبه‌های برتر علمی و فرهنگی شهرستانی، استانی و کشوری دانش آموزان در سال‌های متمادی؛
  ۲. تربیت دانش آموزان نخبه و تیزهوش شهرستان بهبهان در ابعاد مختلف علمی، اخلاقی و معنوی در سطح منطقه؛
  ۳. برگزاری نمایشگاه‌های دست‌ساخته‌های دانش آموزان خلاق و مبتکر؛
  ۴. فارغ‌التحصیل شدن دانش آموزان تیزهوش از این مدرسه با رتبه‌های علمی بسیار بالا (رتبه‌های اول شهرستان)؛
  ۵. شناسایی دانش آموزان نخبه بی‌بضاعت (مالی) و حمایت همه‌جانبه بسیاری از آن‌ها تا کسب مقام‌های برتر علمی؛
  ۶. ایجاد پیوند بسیار قوی و صمیمی بین اولیا و معلمان یا خانه و مدرسه؛ این مسئله باعث می‌شد خانواده‌ها برای پیشرفت کارها به مدرسه بسیار کمک کنند.

### به نظر شما، مدیران موفق چه ویژگی‌هایی دارند؟

- مهم‌ترین ویژگی مدیران موفق، برخورداری از روحیه امیدواری و عشق به انجام وظایف است. اگر کسی بخواهد در کاری موفق شود، باید امیدوار و عاشق آن کار باشد. بدون امید نمی‌توان در هیچ کاری موفق شد. هر مدیری باید امیدوار باشد که مشکلات حل‌شدنی هستند و هر کدام راه‌حلی دارند. هیچ مسئله و مشکلی نیست که راه‌حل نداشته باشد. یک مدیر موفق حتماً نیازمند چنین روحیه‌ای است. در واقع، بدون عشق و امید، هیچ کاری پیش نمی‌رود.
- من هیچ مشکلی را در زندگی لاینحل نمی‌دانم و سخت‌ترین مشکلات و مسائل زندگی فردی و حرفه‌ای خودم را، به‌خصوص در دوران مدیریت مدرسه، با امیدواری حل کرده‌ام.
- دومین ویژگی یک مدیر موفق، صبوری در مقابل سختی‌هاست. هر کار سختی‌های خاص خودش را دارد، به‌خصوص مدیریت، ولی باید توجه داشته باشیم که همین سختی‌ها باعث رشد ما می‌شوند. مدیر موفق در مقابل مسائل و مشکلات زود تسلیم نمی‌شود و عقب‌نشینی نمی‌کند. سومین ویژگی مدیر موفق، خلاق بودن و داشتن نبوغ فکری برای حل مسائل است. مدیر مدرسه نباید کارهایش را فقط از طریق مقررات و ضوابط خشک اداری

پیش ببرد. او باید خود به نوآوری و ابداع دست بزند و برای مسائلی که با آن‌ها روبه‌روست، راه‌حل‌های جدیدی کشف کند.

پیش‌تازی و پیشروی در انجام امور، یکی دیگر از ویژگی‌های

یک مدیر موفق است. مدیر موفق وقتی به ضرورت انجام کاری پی‌می‌برد، خودش زودتر از همه، آن را اجرا می‌کند. به‌عبارتی، او اولین کسی است که دست‌به‌کار می‌شود. مدیری که فقط دستور بدهد و از دیگران کار بخواهد، مدیر موفق نخواهد بود. مدیر باید توجه داشته باشد که همواره زیر ذره‌بین معلمان و کارکنان مدرسه است. ضمن اینکه همه آدم‌ها زیر ذره‌بین خدا هم هستند.

بنابراین، باید توجه داشته باشد که همکاران وی مرتب او را مورد ارزیابی قرار می‌دهند و دقت دارند که آیا خصوصیات پسندیده‌ای دارد یا خیر.

مشارکت دادن معلمان و همکاران و حتی دانش آموزان در کارها، تفویض اختیار به همکاران و معاونان و ایجاد زمینه رشد آن‌ها، استفاده از تجارب مدیران موفق، ترویج اخلاق حرفه‌ای و حسنه در محیط کار، تقدیر از دبیران و کارکنان فعال و برنامه‌ریز و طراح، و انتخاب افراد مجرب و قوی برای همکاری، بخش دیگری از ویژگی‌های یک مدیر موفق است.

### به نظر شما، مدیریت چه چیزهایی نیست؟

سؤال خوبی است. من ۲۵ سال در مدارس مختلف بوده‌ام. اتفاقاً قبل از اینکه خودم مدیر مدرسه استعدادهای درخشان شوم، از برخی رفتارهای مدیران مدارس تعجب می‌کردم و همیشه در این فکر بودم که اگر روزی مدیر مدرسه شوم، این رفتارها را نباید داشته باشم.

برای مثال، در یکی از مدارس مطرح بهبهان، مدیری داشتیم که صبح‌ها وقتی وارد دفتر مدرسه می‌شد، با وجود اینکه همکاران نشسته بودند، سلام نمی‌کرد. من در آن زمان معاون تربیتی مدرسه بودم و دبیران معمولاً می‌آمدند و با من درد دل می‌کردند که مدیر مدرسه سلام کردن بلد نیست و سلام نمی‌کند. احساس ما این بود که او دچار غرور کاذب شده است که آن را این‌گونه بروز می‌دهد. از طرف دیگر، این مدیر وقتی در تابستان می‌خواست اضافه‌کار همکاران را بنویسد، برای خودش که با خانواده به سفر زیارتی رفته بود و اصلاً در مدرسه نبود، دو برابر ما که در مدرسه مانده و کار کرده بودیم، اضافه کار می‌نوشت و من تعجب می‌کردم که چرا برداشت او از مدیریت چنین است.